

در خواست حذف ماده ۵۰قانون جهش تولید مسکن توسط دولت

بازگشت به عباس آخوندی؟!

دولت عرضه زمین رایگان را از برنامه هفتم حذف می کند؟

ساخت مسکن ندادند که احتمال اهمال در اجرای نهضت ملی مسکن نیز افزایش می یابد. این مساله، بویژه برای دهک‌های پایین درآمدی که توان خرید زمین و ساخت مستقل مسکن را ندارند، یک چالش جدی خواهد بود.

از منظر اقتصادی، حذف ماده ۵۰ موجب تشدید تمرکز جمعیت در کلان‌شهرها، افزایش شکاف سکونتی میان مناطق پرخوردار و محروم و کاهش ساخت‌وساز در شهرهای کوچک و روستاها خواهد شد. در غیاب حمایت دولتی، مهاجرت به شهرهای بزرگ تشدید شده و فشار مضاعفی بر زیرساخت‌های شهری، بازار اجاره و قیمت مسکن وارد می‌شود. در نتیجه، مساله سکونت با مشکلات جدی‌تری مواجه خواهد شد.

اما پرسش اصلی این است: چرا دولت دست به چنین اقدامی زده‌است؟ به نظر می‌رسد بهانه این تصمیم، ملاحظات بودجه‌ای عنوان شده و حکایت از کاهش تعهدات اجرایی و تمایل به کوچک‌سازی نقش دولت در مسکن‌سازی دارد. در شرایط کنونی دولت مدعی است منابع عمومی محدود شده و با کسری بودجه مواجه است، در حالی که این جزو تعهدات دولت مطابق با قانون برنامه هفتم است و حذف این تعهدات به بهانه اینکه آماده‌سازی زمین‌ها پر هزینه است.

محل سوال است. با این حال، چنین رویکردی در حوزه مسکن، بویژه برای دهک‌های پایین و مناطق محروم، می‌تواند هزینه‌های زندگی آنها را به واسطه اجارمنشینی افزایش دهد. بر همین منوال ماده ۵۰، با هدف رفع بخشی از مشکلات ساختاری بازار مسکن طراحی شده بود و حذف آن، نه‌تنها این مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه ممکن است آنها را تشدید کند. در نهایت، این تصمیم بیش از آنکه صرفاً حذف یک ماده قانونی باشد، نقطه چرخش در سیاست‌گذاری سکونتی کشور است.

اما اگر اجرای ماده ۵۰ قانون جهش تولید مسکن به درستی عملیاتی شود، می‌تواند یکی از مؤثرترین ابزارهای دولت برای مهار نوسان بازار مسکن و کنترل مهاجرت داخلی باشد. در شرایطی که این بازار در کلان‌شهرها با تورم، کمبود عرضه و رشد بی‌رویه قیمت‌ها مواجه است، توسعه سکونتگاه‌ها در شهرهای کوچک، روستاها و مناطق مرزی می‌تواند فشار

گروه اقتصادی: در یکی از تصمیمات بحث‌برانگیز دولت چهاردهم در حوزه سیاست‌گذاری مسکن، دولت درخواست حذف ماده ۵۰ قانون جهش تولید مسکن از برنامه هفتم توسعه را ارائه داده است. این به معنای عقب‌نشینی دولت از توسعه مناطق کمتر برخوردار و تقویت تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ است. این ماده که در تابستان ۱۴۰۳ تصویب شده بود، وزارت راه و شهرسازی را موظف می‌کرد حداقل ۰.۲ درصد به مساحت سکونتگاه‌های کشور در شهرهای کوچک، روستاها و مناطق مرزی بیفزاید و امکان واگذاری زمین‌های دولتی به صورت ۹۹ ساله را برای خانوارهای فاقد مسکن فراهم کند. هدف آن، توسعه متوازن سکونتگاه‌ها، کاهش تمرکز جمعیت در کلان‌شهرها و حمایت از دهک‌های پایین درآمدی بود.

درخواست حذف این ماده، در عمل به معنای رفع تکلیف از وزارت راه و شهرسازی در زمینه بسترسازی برای توسعه مسکن در مناطق محروم است. این اقدام، برخلاف وعده‌های پیشین دولت مبنی بر ساخت مسکن برای خانوارهای فاقد سرپناه، بویژه در مناطق روستایی و مرزی، نشان‌دهنده واگذاری کامل مسؤولیت تأمین مسکن به بخش خصوصی است؛ بخشی که در شرایط اقتصادی فعلی، نه‌توان مالی کافی

و نه انگیزه ورود به مناطق کم‌برخوردار را دارد.

این درخواست نشان می‌دهد دولت به نوعی در حال بازگشت به رویکردی است که سال‌ها پیش عباس آخوندی، وزیر اسبق راه و شهرسازی بر آن تأکید داشت؛ اینکه «ساخت مسکن وظیفه دولت نیست». همین نگاه موجب شد پروژه‌های مسکن مهر در دوره وزارت او با اهمال مواجه شوند و بخشی از آنها تا پس از پایان دولت دوازدهم، بلا تکلیف باقی بمانند. اکنون حذف ماده ۵۰ نیز می‌تواند نشانه‌ای از بازگشت به همان مسیر باشد که توسعه مسکن اجتماعی را به حاشیه می‌برد و نقش دولت را از تأمین زیرساخت‌های سکونتی حذف می‌کند.

این تصمیم در حالی اتخاذ شده که دولت کنونی در قالب نهضت ملی مسکن، وعده ساخت میلیون‌ها واحد مسکونی را داده بود. حذف ماده ۵۰ می‌تواند برخلاف تعهدات دولت باشد و دیگر خود را موظف به تأمین زمین و بسترسازی برای

یکی از معذور ابزارهای سیاست‌گذاری برای کنترل مهاجرت داخلی و توسعه متوازن سکونتگاه‌هاست. در شرایطی که کشور با چالش‌های جدی در حوزه مسکن، مهاجرت و تمرکز جمعیت مواجه است، اجرای این ماده می‌توانست نقطه آغاز یک تحول ساختاری باشد؛ تحولی که اکنون در معرض توقف قرار گرفته است.

بنابراین آنچه بیش از پیش نگران‌کننده به نظر می‌رسد، بازگشت به همان سیاست‌هایی است که در دوره وزارت عباس آخوندی بر راه و شهرسازی تجربه شد و نتایج نامطلوبی بجا گذاشت. آخوندی با تأکید بر اینکه «دولت نباید مسکن بسازد»، علاسمیر مناخله دولت در تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد را مسدود کرد. اما برخلاف تصور او، بخش خصوصی نیز وارد میدان نشده، نه به دلیل بی‌میلی، بلکه به واسطه نبود انگیزه اقتصادی، فقدان حمایت‌های زیرساختی و ریسک بالای سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و کم‌برخوردار. نتیجه این سیاست، جهش بی‌سابقه قیمت مسکن در کلان‌شهرها، رکود ساخت‌وساز در شهرهای کوچک و تعمیق شکاف سکونتی میان طبقات اجتماعی بود.

اکنون، با درخواست حذف ماده ۵۰ قانون جهش تولید مسکن، به نظر می‌رسد همان مشی فکری دوباره در حال احیا شدن است؛ مشی‌ای که نقش دولت را در تأمین مسکن نفی و همه چیز را به بازار واگذار می‌کند. نکته تأسفبار آن است که این رویکرد، بدون هیچ بازنگری در کارنامه ضعیف عباس آخوندی در حوزه مسکن، بار دیگر در حال تبدیل شدن به سیاست رسمی دولت است. گویی مشاوره‌های آخوندی، بدون توجه به نتایج عملی و پیامدهای آن، دوباره در دستور کار قرار گرفته است.

این در حالی است که تجربه گذشته نشان داده واگذاری کامل مسؤولیت مسکن به بخش خصوصی در موقعیت کنونی اقتصاد کارآمد نیست، بلکه به رکود ساخت‌وساز، افزایش اجاره‌نشینی و چالش مسکن منجر خواهد شد. حذف ماده ۵۰ به جای اصلاح مسیر، بازگشت به سیاستی است که پیش‌تر شکست خورده و اکنون در حال تکرار است؛ تکراری که می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای دولت، جامعه و اقتصاد کشور به همراه داشته باشد.

جمعیتی را از مراکز بزرگ بردارد و وقتی تقاضا از شهرهای بزرگ برداشته شود به تعادل در بازار مسکن کشور کمک می‌کند

در واقع واگذاری زمین‌های دولتی به صورت ۹۹ ساله، بویژه در مناطق کم‌برخوردار، نه‌تنها هزینه اولیه ساخت مسکن را برای خانوارهای فاقد سرپناه کاهش می‌دهد، بلکه انگیزه‌ای واقعی برای ماندگاری در محل زندگی و سرمایه‌گذاری در آینده فراهم می‌آورد. این سیاست می‌تواند به‌طور مستقیم از مهاجرت معکوس حمایت کند؛ یعنی بازگشت جمعیت از کلان‌شهرها به مناطق کمتر توسعه‌یافته، بویژه در استان‌های مرزی که با کاهش جمعیت و رکود اقتصادی مواجهند. از طرف دیگر به اشتغال بومی نیز کمک می‌کند، چراکه در ساخت‌وسازهای مناطق محروم از نیروهای همان منطقه استفاده می‌شود و این روند به چرخه اقتصاد در سطح کلان کمک می‌کند. اما اگر این مساله به عهده بخش خصوصی گذاشته شود به دلیل اینکه بازار مسکن هم‌اکنون راکد است و قیمت مصالح نیز بالاست، اصلاً پروژه‌ای کلید نمی‌خورد که به کارگیری نیروی انسانی و اشتغال را به همراه داشته باشد.

■ تاثیر مثبت ماده ۵۰ قانون جهش تولید بر مهاجرت

در حال حاضر، یکی از دلایل اصلی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به مراکز استان‌ها، نبود زیرساخت‌های سکونتی و عدم دسترسی به زمین و خدمات پایه است. اجرای ماده ۵۰ می‌تواند این شکاف را پر کند و با ایجاد فرصت‌های سکونتی ارزان‌قیمت، مانع مهاجرت اجباری شود. این اقدام، بویژه برای دهک‌های پایین درآمدی که توان ورود به بازار مسکن شهری را ندارند، یک نقطه امید محسوب می‌شد.

بنابراین توسعه سکونتگاه‌ها در مناطق کم‌برخوردار می‌تواند به تحریک تقاضای محلی، در بخش ساخت‌وساز و رونق فعالیت‌های خدماتی و تجاری نیز منجر شود. در بلندمدت، این سیاست می‌تواند به کاهش فشار بر زیرساخت‌های شهری، کنترل قیمت مسکن در کلان‌شهرها و تحقق عدالت فضایی در کشور کمک کند.

بنابراین درخواست حذف ماده ۵۰ نه‌تنها یک عقب‌نشینی از تعهدات دولت در حوزه مسکن است، بلکه از بین بردن



بانک‌های مرکزی جهان برای کاهش فشارهای مالی غرب، سیاست‌های جدیدی اتخاذ کردند

افزایش ذخایر طلا مقدمه دلارزدایی

افزایش ۱۰۰۰ تنی خرید طلا توسط بانک‌های مرکزی جهان از ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵

در ذخایر جهانی دوباره در حال افزایش است که تا سال ۲۰۲۵ به حدود ۲۴ درصد رسید. هم‌زمان، نهادهای غرب‌محور مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با چالش مشروعیت و کارآمدی مواجهند و بلوک‌هایی مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای در حال افزایش نقش خود در نظم مالی جهانی هستند. برای ایران، این تحولات جهانی دیگر چندان تهدید جدی نیست و حتی فرصت محسوب می‌شود. از آن جهت که تغییرات تجاری در مقابل دلار می‌تواند موقعیت اقتصادی کشور را تقویت کند؛ و فرصت از آن جهت که با هوشمندی و تعامل با بلوک‌های شرقی، می‌توان به حلقه‌ای مؤثر در نظم مالی جدید در بریکس تبدیل شد. افزایش ذخایر طلای فیزیکی، تنوع‌بخشی

به دارایی‌های ارزی و تسهیل واردات طلا توسط بخش خصوصی، گام‌هایی هستند

که می‌توانند نظام مالی کشور را

بویژه در کشورهایی که با چالش‌های ژئوپلیتیک و فشارهای تجاری مواجهند، به‌عنوان یک سپهر مالی عمل کرده است، چراکه طلا برخلاف ارزهای رایج، دارایی بدون ریسک اعتباری است و در شرایط شدید بازارهای جهانی، ارزش خود را حفظ می‌کند. همین ویژگی باعث شده بانک‌های مرکزی در جهان، بویژه در اقتصادهای نوظهور یا تحت تحریم، به طور فزاینده‌ای به سمت انباشت طلا حرکت کنند تا وابستگی خود به نظام‌های مالی غرب را کاهش دهند.

در شرایطی کنونی طلا نقش مهمی در حفظ قدرت خرید ذخایر ملی ایفا می‌کند. همچنین در مواجهه با محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بانکی، طلا به دلیل قابلیت حمل، نقدشوندگی بالا و عدم وابستگی به شبکه‌های مالی غرب‌محور، امکان انجام مبادلات دوجانبه یا منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. به همین دلیل سهم ذخایر بانک‌های مرکزی از دلار یا اوراق افت قابل توجهی داشته و در مقابل طلا سهم بیشتری پیدا کرده، به همین دلیل است که در چند وقت اخیر شاهد رشد قیمت طلای جهانی بوده‌ایم به طوری که در یک سال گذشته حدود ۱۰۰ درصد بازدهی داشته است.

برای کشورهایی که در معرض فشارهای ارزی و محدودیت‌های تجاری قرار دارند، افزایش ذخایر طلا نه‌تنها به تقویت مالی کمک می‌کند، بلکه ظرفیت مقاومت در برابر تکانه‌های خارجی را نیز بالا می‌برد. به همین دلیل می‌توان ادعا کرد طلا در نظم مالی جدید، نه‌تنها یک دارایی ذخیره‌ای، بلکه ابزاری راهبردی برای استقلال اقتصادی، کاهش آسیب‌پذیری در برابر

نوسانات بازار و مقابله با

فشارهای تجاری و تحریمی

است. کشورهایی که در این مسیر

گام برداشته‌اند، در حال ساختن

معماری مالی مقاوم‌تری هستند که

می‌تواند در برابر شوک‌های جهانی تاب‌آوری

بیشتری داشته باشد.

پنجشنبه اول آبان ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۴۴۴

اقتصادی

معرفی کتاب

دکترین شوک: ظهور سرمایه‌داری فاجعه

«دکترین شوک» اثر نائومی کلاین، روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی کانادایی، یکی از بحث‌برانگیزترین کتاب‌های حوزه اقتصاد سیاسی معاصر است که با زبانی روان و بر پایه تحقیقات گسترده، به تشریح مکانیسمی هولناک می‌پردازد؛ چگونه صاحبان قدرت و شرکت‌های چندملیتی از فجایع بزرگ برای پیشبرد

برنامه‌های اقتصادی خود بهره می‌برند. کلاین در این کتاب استدلال می‌کند مکتب اقتصادی نئولیبرال، که خواهان خصوصی‌سازی گسترده و کوچک‌سازی دولت است، در شرایط عادی با مقاومت عمومی مواجه می‌شود. بنابراین، طرفداران این مکتب نیازمند وقوع یک «شوک اولیه» می‌مانند. این شوک می‌تواند یک کودتا، یک حمله تروریستی، یک جنگ یا حتی یک فاجعه طبیعی باشد. در پی این فاجعه، جامعه دچار سردرگمی و بهت می‌شود. در همین فرصت طلایی، این گروه‌ها با یک «شوک ثانویه» اقدام به اجرای سیاست‌های رادیکال اقتصادی می‌کنند که در زمان عادی غیرممکن بود. در نهایت، سعی در سرکوب اعتراضات مردمی صورت می‌گیرد. کلاین با روایتی جالب و تاریخی همراه با ارائه مثال‌های مستند از کشورهای مختلف – از کودتای شیلی تحت پینوشه تا جنگ عراق – الگویی تکراری را در سطح جهان نشان می‌دهد. ویژگی ممتاز این کتاب، بیان داستان‌وار و جذاب مفاهیم پیچیده اقتصادی است که آن را برای مخاطب عام قابل درک می‌کند. این کتاب تنها به نقد نمی‌پردازد، بلکه با افشای ارتباط بین سیاست، قدرت و پول، ذهن خواننده را نسبت به رویدادهای جهان پیرامون به چالش می‌کشد. اگر به دنبال درکی عمیق‌تر از نیروهای پنهانی هستند که اقتصاد جهانی را شکل می‌دهند، مطالعه «دکترین شوک» می‌تواند به عنوان یک منبع روشنگر و هشداردهنده عمل کند. این کتاب به شما می‌آموزد که پشت پرده بسیاری از فجایع بزرگ جهان، چه نقشه‌های اقتصادی نهفته است.

اخبار

به شرط تأمین سوخت نیروگاه‌ها

زمستان امسال خاموشی نداریم

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی بهره‌برداری تولید شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی گفت: در فصل زمستان ظرفیت نیروگاه‌های کشور از نیاز مصرف برق بیشتر بوده و در صورتی که سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها تامین شود، مشکلی در تامین برق مشترکان وجود ندارد.

محمدجواد فروغی با بیان اینکه استمرار تأمین سوخت، شرط اصلی عبور بی‌خاموشی از زمستان امسال است، اظهار کرد: همکاری مطلوبی میان وزارت نیرو، وزارت نفت و سایر نهادهای عضو کارگروه مدیریت انرژی کشور برقرار است.

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی بهره‌برداری تولید شرکت برق حرارتی افزود: خوشبختانه از ابتدای سال وضعیت سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها نسبت به سال گذشته بهبود یافته و ذخیره‌سازی سوخت مایع نیز در سطح مطلوبی انجام شده است. وی با تأکید بر اینکه تأمین پایدار گاز مهم‌ترین عامل در تأمین انرژی زمستانی است، اظهار کرد: ظرفیت تولید گاز کشور محدود است و اولویت مصرف با بخش‌های خانگی و تجاری است. بنابراین در زمان‌هایی که دمای هوا کاهش می‌یابد و طبیعتاً مصرف خانگی افزایش پیدا کند، تحویل گاز به نیروگاه‌ها محدود می‌شود و به ناچار باید از ذخایر سوخت مایع استفاده کنیم.

فروغی با اشاره به ذخایر فعلی سوخت نیروگاه‌ها گفت: در حال حاضر بیش از ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون لیتر سوخت مایع در نیروگاه‌ها ذخیره شده که نسبت به سال گذشته رشد قابل توجهی دارد. اما این میزان ذخیره به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده تأمین برق مشترکان برای کل فصل سرد باشد، چرا که در صورت قطع گاز، این ذخیره در برخی نیروگاه‌ها ظرف‌های چند روز مصرف می‌شود.

او افزود: برای عبور بدون خاموشی از زمستان، علاوه بر برنامه‌ریزی دقیق وزارت نفت و وزارت نیرو، مدیریت مصرف گاز در بخش‌های خانگی و تجاری بسیار حیاتی است. در روزهای بسیار سرد، مصرف گاز خانگی به صورت ناگهانی افزایش می‌یابد و همین موضوع می‌تواند تعادل عرضه و تقاضای گاز در کشور را به هم زده و تأمین گاز نیروگاه‌ها را با مشکل مواجه کند. همراهی مردم در مدیریت مصرف گاز نقش کلیدی در پایداری تأمین برق و گاز کشور دارد.

کاهش نوسانات قیمت طلا

قیمت طلا در معاملات روز چهارشنبه تغییر چندانی نداشت. نشانه‌های آرام‌تر شدن تنش‌های تجاری میان آمریکا و چین مانع رشد بیشتر بهای این فلز گرانبها شد، در حالی که سرمایه‌گذاران منتظر انتشار داده‌های تورمی ایالات متحده هستند قیمت هر اونس طلا با افزایش ناچیز ۰.۱ درصد به ۴۱۲۵ دلار و ۷۵ سنت رسید. معاملات آتی طلا در بازار کامکس نیویورک نیز با رشد ۰.۴۲ درصدی در سطح ۴۱۲۶ دلار و ۵۰ سنت بسته شد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد امیدوار است در دیدار هفته آینده خود با رئیس‌جمهور چین در کره جنوبی، به یک توافق تجاری «عادلانه» دست یابد و خطر درگیری بر سر تایوان را بی‌اهمیت دانست.

هم‌زمان، روزنامه «سنت» هند گزارش داد دلی‌نو و واشنگتن در آستانه امضای توافقی بلندمدت هستند که می‌تواند تعرفه واردات آمریکا از هند را از حدود ۵۰ درصد

فعلی به ۱۵ تا ۱۶ درصد کاهش دهد.

طلا از ابتدای سال جاری میلادی حدود ۵۶ درصد رشد قیمت را تجربه کرده و روز دوشنبه به رکورد ۴۳۸۱ دلار و ۲۱ سنت رسید. کارشناسان عوامل اصلی این روند را در تنش‌های ژئوپلیتیک، کاهش نرخ بهره و خرید گسترده بانک‌های مرکزی می‌دانند. اکنون نگاه بازارها به گزارش شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا دوخته شده که قرار بود سپتامبر منتشر شود، اما به دلیل تعطیلی دولت فدرال به تعویق افتاده است.

به تعویق افتاده است.